Shiraz-Beethoven.ir

فهرست گنجانیده‌ها

درآمد ۱

بخش نخست: تاریخچه‌ی نت‌نویسیِ موسیقی ۷

بخش دوم: مبانی نت‌نویسی ۴۱

۱ حامل ۴۳

۲ آکولادها و نظام‌ها (مجموعهٔ حامل‌ها) ۵۵

۳ خطوط اضافی و علائم اکتاو ۶۵

۴ کلیدها ۷۷

۵ سرنت‌ها و دنباله‌ها ۹۳

۶ پرچم‌ها و شاهین‌ها ۱۱۷

۷ سکوت‌ها و وقفه‌ها ۱۴۱

۸ خطوط اتحاد و نقطه‌ها ۱۶۱

۹ نشانه‌های عرضی ۱ و علائم سرکلید ۱۸۵

۱۰ وزن و میزان‌نما ۲۱۵

۱۱ خطوط میزان و ریتم ۲۶۱

۱۲ علائم تکرار ۲ ۳۱۳

۱۳ زینت‌ها ۳۲۷

Shiraz-Beethoven.ir

۱۴ نشانه‌های دینامیکی ۳ ..... ۳۵۳
۱۵ آکسان‌ها و خطوط اتصال ۳۶۹
۱۶ تمپو و علامت‌های بیان موسیقایی ۳۹۱

بخش سوم: نت‌نویسی مقوله‌ای ۴۰۵
۱۷ نت‌نویسی آوازی ۴۰۷
۱۸ نت‌نویسی برای سازهای شستی‌دار ۴۲۷
۱۹ نت‌نویسی چنگ ۴۶۱
۲۰ نت‌نویسی سازهای بادی‌چوبی ۴۷۹
۲۱ نت‌نویسی سازهای بادی-برنجی ۵۰۵
۲۲ نت‌نویسی سازهای کوبه‌ای ۵۱۹
۲۳ نت‌نویسی زهی ۵۴۹
۲۴ نت‌نویسی جاز ۵۸۹

بخش چهارم: شیوه‌های دست‌نویسی ۶۰۳
۲۵ نوشتن نسخه‌ی خطی و نمونه‌خوانی ۶۰۵
۲۶ تهیه‌ی پارتیتور و بخش‌های آن ۶۲۳

پی‌گفتار ۶۴۷
کتابنامه ۶۵۱

Shiraz-Beethoven.ir

سخن مترجم

کتابی که در پیش رو دارید؛ یعنی نت‌نویسی موسیقی music notation، اثر گاردنر رید Gardner Read (۲۰۰۵-۱۹۱۳م) موسیقیدان، معلم موسیقی و آهنگساز برجسته‌ی آمریکایی است. او اولین تعلیم‌هایش بر روی پیانو و ارگ بود. وی اولین جایزه‌اش را در سال ۱۹۳۲ در مدرسهٔ موسیقی Eastman School music دریافت کرد و استادان اولیه‌اش برنارد راجرز (۱۹۶۸-۱۸۹۳) و هوارد هانسن (۱۹۸۱-۱۸۹۶) بودند. گاردنر رید پس از آن، کتابها و قطعات بسیاری نوشت. کتاب نت‌نویسی موسیقی او، از کامل‌ترین و شناخته‌شده‌ترین کتابهای موسیقی جهان است، و به عنوان مرجع در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش موسیقی جهان استفاده می‌شود.

این کتاب، حاصل سالها دغدغه‌ی فکری مترجم و تلاش برای ترجمه و به چاپ رساندن آن، بوده است. در ابتدای کار، با مشورت‌هایی که با استاد مصطفی کمال‌پورتراب پیرامون کتاب انجام داد، پی به اهمیت فراوان آن برد.

مترجم هیچگاه فکر نمی‌کرد که در روند ترجمه، ویرایش و به چاپ رساندن آن با دشواری‌ها و مصائب گوناگون مواجه می‌شود، و اگر بخواهد به آنها بپردازد، مثنوی هفتاد من می‌گردد. مترجم بارها ناامید از چاپ کتاب شد؛ اما در نهایت قرار بود با همت ویراستار فنی کتاب استاد محمود بالنده در انتشارات دانشگاه هنر به چاپ برسد که ظاهراً به دلیل مشکلات مالی این امر میسر نشد، تا اینکه انتشارات وزین «علم» چاپ آن را پذیرفت که مترجم کمال تشکر را دارد.

باید از کسانی که در پیشبرد چاپ کتاب به شکل‌های مختلف به مترجم یاری

Shiraz-Beethoven.ir

رسانده‌اند تشکر ویژه بکنم: احمدی صدری و مرتضی گودرزی دوستان فرهیخته‌ای که در مراحل چاپ کتاب مرا یاری کردند. حمید اسفندیاری، مدیر محترم مؤسسه فرهنگی و هنری آواری باربد که نه تنها برای این کتاب، بلکه برای آثار دیگرم، همیشه همراهی دلسوز و دوستی باوفا بوده است. دکتر کیاوش صاحب‌نسق موسیقیدان و استاد محترم موسیقی در بازخوانی کتاب زحمات فراوانی کشید. علی ادیب‌راد و سیامک انوری نیز هر کدام بطور جداگانه به ویرایش کتاب پرداختند.

مترجم کتاب با اعتقاد بر اینکه چنین کتابهای تخصصی در زمینهٔ موسیقی در ایران کمتر منتشر شده است، برای اینکه با خطاهای کمتری در ترجمه آن مواجه شویم، نیازمند است قبل از چاپ متخصصان بیشتری آن را مطالعه کنند، به همین منظور از دوست فرهیخته‌اش استاد محمود بالنده نیز خواسته است تا برای بار آخر به عنوان ویراستار فنی، کتاب را با حوصله بخوانند، که ایشان نیز سخاوتمندانه به این امر پرداخته‌اند.

با دیگر سپاسگزارم از همهٔ توجه و محبت و دقت عزیزان و متخصصان.

سخن ویراستار فنی

کتاب حاضر، نخستین ترجمه به زبان فارسی در حوزه‌ی موسیقی با موضوعیت تاریخچه‌ی نت‌نگاری موسیقی غرب می‌باشد، که به کوشش کیوان پهلوان به انجام رسیده است. با توجه به وجود واحد درسی نت‌نگاری در شرح درس رشته‌های نوازندگی موسیقی جهانی و آهنگسازی در مقطع کارشناسی ارشد، این مجموعه، منبع معتبری جهت استفاده‌ی مدرسان مراکز آموزشی دانشگاهی در تدریس تاریخچه‌ی نت‌نگاری موسیقی در غرب و شناخت هرچه بیشتر دانشجویان و آموزگاران رشته‌ی موسیقی با این موضوع خواهد بود.

مطالعه‌ی تاریخچه‌ی موسیقی غرب، در طی قرون گذشته از یک سو، و مقایسه‌ی آن با تاریخچه‌ی نت‌نگاری در موسیقی ایران و کشورهای حوزه‌ی شرق اسلامی که از سده‌ی دوم هق توسط موسیقیدانان برجسته‌ی این خطه نظیر کندی، ابن‌سینا، ارموی و سایر نظریه‌پردازان موسیقی انجام پذیرفته و در سده‌ی اخیر توسط علینقی وزیری ادامه یافته است. از سوی دیگر، زمینه‌ساز انجام مطالعات تطبیقی توسط اندیشمندان مباحث نظری در حوزه‌ی تخصصی موسیقی خواهد بود.

با توجه به محتوای تخصصی این کتاب، ترجمه‌ی آن نیازمند تسلط کافی مترجم بر رشته‌ی موسیقی و مترجمی زبان انگلیسی بوده است، که دکتر کیوان پهلوان با توجه به تحصیلات و پژوهش‌های موسیقی خود، ترجمه‌ی دقیق، سلیس و روان از متن اصلی کتاب انجام داده است.

در ویراستاری فنی ترجمه‌ی حاضر، برخی از واژگان و عبارات تخصصی با دقت و

Shiraz-Beethoven.ir

Shiraz-Beethoven.ir

این که گفته می‌شود: «موسیقی زبانی بین‌المللی میان ابناء بشر است» افسانه‌ای است تأسف‌بار که به دست نویسندگان بی‌شماری جاودانه شده است. اگر موسیقی به‌راستی چنین می‌بود، ما ساکنان مغرب‌زمین می‌باید همچنین از زبانِ موسیقایی دهقانان چینی، صحرانشینان آفریقا، و موسیقی *گاگاکو* در دربار ژاپنِ عهد عتیق نیز به‌طور یکسان لذت می‌بردیم، و به همان ترتیب کوه‌نشینان هیمالیا، ساربانان عرب و اسکیموهایِ شکارچیِ فُک نیز باید همانند اهالی بوستون به آوای فوگ باخ یا جَزِ جدید واکنش نشان دهند.

به هر حال، خوب می‌دانیم که موسیقی بومیان آفریقا و دربار ژاپن برای گوش ما غالباً نامفهوم و غریب می‌نماید، و موسیقی رسمی و پیچیده‌ی تمدن غربی نیز به همان نسبت برای شنوندگان شرقی و آفریقایی مبهم و غریب است. بنابراین، *زبان* (نوای) موسیقی به همان میزان می‌تواند جهانی شود که یک زبان گفتاری می‌تواند به جایگاهی بین‌المللی برسد.

اما، هر کجا که فرهنگ غربی در آن رشد و توسعه یافته باشد، نمادهای نوشتاری نت‌نویسی در فرهنگ غرب قابل فهم هستند؛ هرچند که ممکن است مفاهیم موسیقایی در آنجا ریشه در فرهنگ یوگسلاوی، آرژانتین، سوئد یا ایالات متحده داشته باشد ــ آن هم در میان آهنگ‌سازانی از آن فرهنگ‌ها که چه‌بسا زبان گفتاری‌شان برای یکدیگر قابل‌فهم نباشد. ما جایگاه این نمادها را در چنین شرایطی تنها با توجه به اهمیت تاریخی‌شان در فهم روش‌های نوین نت‌نویسی درخواهیم یافت؛ باید امیدوار بود، هر دانشجویی که با جان و دل درپی فراگیری موسیقی است، با خواندن این متن چنان علاقه‌مند شود که این مختصر را همچون مقدمه‌ای در کار خویش بپندارد؛ زیرا

Shiraz-Beethoven.ir

جنبه‌های فراوانی از سبک‌های موسیقایی کهن تنها از طریق مطالعه‌ی موسیقی با استفاده از نت‌نویسی اصلی آن به بهترین نحو فراگرفته می‌شوند.

در تمرکز بر نمادهای دیرین و ماندگار موسیقی در دنیای غرب، باید بسیاری دوران‌هایی که در آنها علائم و نمادهایی ابداع شده‌اند، و پس از مدتی به دست فراموشی سپره شدند را با وجود اینکه در آن دوران آثار موسیقایی با ارزشی نیز خلق شد، کنار گذاریم. جوامع ابتدایی هیچ‌گاه از نمادهای نوشتاری برخوردار نبودند؛ امّا آوازها و رقص‌های خود را سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل می‌کردند. هرگاه، در روند انتقال شنیداری تغییری حاصل می‌شد، این تغییرات تقریباً به طرز نامحسوسی به درون این زنجیره‌ی نامتناهی جذب می‌شدند. موسیقی شرق؛ اما، بی‌آنکه تأثیری بر تکامل نت‌نویسی در غرب داشته باشد، نظام‌های مستقل خود را در زمینه‌ی نت‌نویسی توسعه داد. در دنیای غرب ــ که نقطه‌ی تمرکز بحث ما است ــ تبارشناسی نت‌نویسی مدرن، که در حال حاضر ۳۰۰ سال عمر دارد، را می‌توان به حدود سه هزار سال قبل و به عهد *نت‌نویسی الفبایی* (آلفابت) یونان باستان، بازگرداند.

نت‌نویسی الفبایی (Letter Notation)

موسیقی‌شناسان در پژوهش‌های خویش چنین استنباط کرده‌اند که یونانیانِ قبل از مسیحیت حداقل چهار نظام متفاوت در نت‌نویسی داشتند که همگی از حروف الفبا استخراج می‌شدند. برای اینکه بدانیم این موسیقی کهن چگونه نوشته می‌شد، می‌توانیم یک نسخه‌ی الفبایی را با یک گام دو-اکتاوی امروزی از لا کلید فا (بین خط اول و دوم) مقایسه کنیم (به صفحه‌ی ۷۲ و جدول علائم دامنه‌ی اصوات [1] رجوع کنید.)

مثال A

Shiraz-Beethoven.ir

علاوه بر شکل عمودی معمولی آنها که برای مشخص‌کردن صداهای اصلی استفاده می‌شد، حروف، وضعیت تغییریافته‌ای نیز به خود می‌گرفتند تا نشان دهند که زیر و بمی صدا می‌تواند تغییر پیدا کند، درست به همان شکلی که ما هم‌اکنون دیز و بمل را به‌کار می‌گیریم. به همین دلیل، نوازنده ممکن بود که به شکل‌هایی مانند زیر برخورد کند.

معکوس: h=H E=Ǝ K=Ж

چرخیده به یک طرف: H=I F=⊔ T=⊢

وقتی که بعضی حروف مناسب معکوس شدن (H = H) یا به‌صورت یک‌طرفه قرار گرفتن (N = Z) نبودند، باید خود آنها را به علائم جدیدی بدل می‌کردند. کشش نت‌های موردنظر گاه توسط علامتی در کنار حروف نشان داده می‌شد، که نمایانگر شمارش یا ضرب‌های لازم برای هر نت بود.

۲ ضربی = — ۳ ضربی = ⌐— ۴ ضربی = ⌐⌐ ۵ ضربی = ⌐⌐—

در چنین نظامی، یک ملودی می‌تواند به وسیلهٔ حروف و علائم وزنی زیر نت‌نویسی شود.
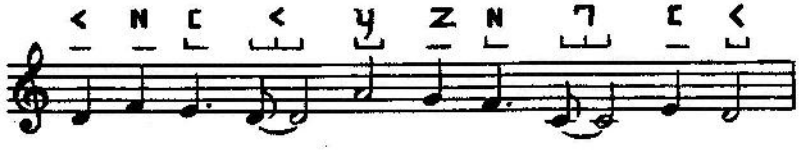
مثال B

گفته شده است، که نظام‌های الفبایی در حدود اواسط قرن چهارم بعد از میلاد بیش از ۱۶۰۰ علامت، نماد و اشکال حرفی را شامل می‌شدند. یونانیان در راستای پیشرفت و پیچیده‌ترکردنِ هرچه‌بیشترِ این عرصه، یک نظام از نت‌نویسی را برای موسیقی آوازی (الفبای ایونی[۲]) و یک نظام دیگر را برای موسیقی سازی (حروف فنیقی[۳] و علائم مربوطه) به‌کار گرفتند. هرچه درباره‌ی پیچیدگی‌ها یا نارسایی‌های نظام کنونی ما سخن بسیار گفته می‌شود، ولی به هر حال باید گفت مجموعه‌ای منسجم و بنیادی از

Shiraz-Beethoven.ir

۶

پرچم‌ها و شاهین‌ها

ما در فصل ۵ با شکل و رنگ سر-نت‌ها و تغییر دنباله‌ی نت‌ها آشنا شدیم. حال باید عناصر باقی‌مانده‌ای که بیانگر ارزش زمانی نت‌ها هستند را درنظر بگیریم: پرچم‌های مجزا، و *شاهین‌هایی* که در گروه نت‌های هم‌ارزش، جانشین پرچم‌های جداگانه می‌شوند.

پرچم‌ها

در نت‌نویسی نوین، پرچم‌ها (فرانسه ***crochet***، و جمع آن ***crochet***؛ آلمانی ***Fähnchen***، و جمع آن ***Fähnchen***؛ ایتالیایی ***code uncinata***، و جمع آن ***coda uncinate***) یا دُم*ها برای نشان دادن ارزش زمانی نسبیِ نت‌هایی، که سر-نت‌های سیاه دارند، از چنگ تا پنج‌لاچنگ به‌کار برده می‌شوند. الگوی نت‌نویسی اورتوکرونیک بسیار دقیق است: هر نت *نصف* ارزش-زمانی نت قبل از خود را در طرح کلی داراست. کاربرد پرچم‌ها هم بسیار دقیق است. نت چنگ دارای نصف ارزش زمانی نت سیاه است و یک پرچم را در طرف راست خود دارا است. نت دولاچنگ نصف ارزش زمانی نت چنگ را دارد و دو پرچم بر روی آن می‌گذارند. هر نت دیگر در سلسله‌ی نت‌ها به ترتیب نیازمند یک پرچم اضافی خواهد بود و از این رو نت پنج‌لاچنگ پنج پرچم را با خود دارد. (به جدول نت‌ها در صفحه‌ی ۱۰۲ رجوع کنید).

---

* tails

Shiraz-Beethoven.ir

قدیمی‌ترین شکل پرچم ــ که به قرون پانزدهم تا هفدهم برمی‌گردد، و در نمودار نت‌نویسی منزورال در صفحه ۱۵ نشان داده شده است ــ خط کوتاه و مایلی بود که به بالای دنباله وصل می‌شد: 𝅘𝅥𝅮 . پرچم نت چنگ جدید، به صورت خط منحنی نازکی درآمده که اندکی پایین‌تر از رأس دنباله‌ی رو به بالا شروع شده و درست در نقطه‌ی مقابل وسط سر-نت به انتها می‌رسد (مثال سمت چپ، پایین). وقتی نقطه‌ای درپی سر-نتی بیاید، انتهای خط منحنی اغلب کوتاه کوتاه می‌شود تا با نقطه تلاقی نکند (نت وسط در همان مثال). بر روی دنباله‌ی رو به پایین، خط منحنی که در اینجا به بالا می‌رود کمتر با ته سر-نت تماس می‌یابد (پایین، نت سمت راست).

مثال ۶-۱

برای هر پرچم اضافی (بیشتر از دو پرچم) طول دنباله به اندازه‌ی دو درجه روی حامل افزایش می‌باشد و پرچم جدید موازی با قبلی‌ها، به خط خمیده‌ی پرچم اول متصل می‌گردد. همان‌طور که قبلاً گفتیم، پرچم‌ها همیشه (صفحه‌ی ۶۳ را ببینید). بدون توجه به اینکه آیا دنباله بالا می‌رود یا پایین، در سمت راست دنباله می‌آیند.

در موسیقی امروز، نت‌های چهارلاچنگ و پنج‌لاچنگ تا اندازه‌ای منسوخ شده‌اند، بدون شک از آن رو که برای نت‌نویسی دشوار به‌نظر می‌آیند. علاوه بر آن، چشم قادر نیست به سرعت چهار یا پنج پرچم را ببیند یا شاهین‌های معادل آنها را تشخیص دهد.

اما، نت‌های دولاچنگ و سه‌لاچنگ به‌عنوان ارزش‌های کوچک‌تر، و هم در حکم واحد ضرب میزان، کاملاً رایج و متداول هستند. میزان‌نما[1]های $\frac{4}{16}$ ، $\frac{9}{16}$ یا $\frac{12}{16}$ ، $\frac{12}{18}$ و غیره را در بیشتر آثار موسیقی معاصر (فصل ۱۰) می‌توان یافت؛ امّا باید به آثار قرن نوزدهم مثلاً موسیقی مجلسی و پیانویی بتهوون نگاهی انداخت تا بتوان نت‌های چهارلاچنگ و پنج‌لاچنگ را به فراوانی مشاهده کرد. برای نمونه به صفحات آغاز سونات پاتتیک نگاهی